



مدرسۀ محمد بن ابراهیم صادق (علیه السلام)

اصول الفقه (ملازمات عقليه)

عقل عملی و نظری

جلسه ۱۷۰

استاد رفعتی

عقل عملی و نظری:

وقتی گفته می‌شود: عقل به حسن و قبح شیئی به معنای سوّم حکم می‌کند؛ مقصود عقل عملی در مقابل عقل نظری است.

تفاوت عقل عملی و نظری:

اگر مُدْرَك، از افعالی بوده که انجام یا عدم انجامش سزاوار باشد؛ مثل حسن عدل و قبح ظلم، ادراك آن را عقل عملی گویند.

اگر از اموری بوده که سزاوار و شایسته دانستن باشد؛ نظیر این حکم که می‌گویند: الكلّ اعظم من الجزء و امثال آن که هیچ ارتباطی به عمل ندارند؛ ادراكش را عقل نظری خوانند.

نکته ۱:

حکم عقل به این معنی است که درك می‌کند فلان شیئی سزاوار است انجام شده یا ترك گردد و برای عقل، انشاء نهی یا امری نبوده مگر خود همین ادراك که عقل را وادار به عمل می‌کند.

نکته ۲:

و مقصود از دعوت نمودن عقل به عمل این است: نفس ادراك، سبب می‌شود که اراده برای عمل و انجام فعلی که شایسته است در نفس شخص حادث گردد. پس می‌توان گفت: مقصود از احکام عقلیه،

مدرکات عقل عملی و آراء آن می‌باشد.

نکته ۳:

مقصود از عقلی که حسن و قبح به معنای اوّل را درك می‌کند، همان عقل نظری است؛ زیرا کمال و نقص از اموری است که شایسته دانستن می‌باشد نه از اعمالی که سزاوار انجام دادن هستند.



مدرک مجاز امام صادق (علیه السلام)

نکته ۴:

اگر عقل کمال یا نقص فعلی را ادراک نمود؛ این را نیز درک می‌کند که فعل یا ترك آن سزاوار و شایسته است؛ از این رو عقل عملی، از عقل نظری استمداد می‌جوید؛ یعنی عقل عملی فعلا پس از حصول عقل نظری حاصل می‌گردد.

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

نکته ۵:

مقصود از عقلی که مدرک حسن و قبح به معنای دوم است، همان عقل نظری می‌باشد؛ چه آنکه ملایمت و عدم ملایمت، مصلحت و مفسده، از اموری است که شایسته دانستن است؛ البته که عقل شایستگی فعل یا ترك را بر طبق آنچه معلوم است ادراک می‌نماید.

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv